

پیشگفتار

سومین دفتر از مجموعه آرای تربیتی دانشمندان مسلمان تقدیم ارباب معرفت و اصحاب تربیت می‌شود، چنانکه در پیشگفتار اجزای دیگر این مجموعه به اشارت گفته‌ایم، استخراج این آرا و تنظیم و تبویب آنها، از یک سو حجاب‌زدایی از گنجینه دانش و معرفت اندیشه‌وران مسلمان است و از سوی دیگر، زمینه‌ای است برای نقد و بررسی آنها و مطالعات تطبیقی در این قلمرو. مقصود از این همه نیز، دستیابی به دیدگاه‌ها و نظریات نو در حوزه تربیت اسلامی است.

این دفتر را به آراء تربیتی غزالی اختصاص داده‌ایم. جایگاه غزالی در سیر تاریخی اندیشه اسلامی، بس والاست و با وجود همه انتقادهایی که متوجه اوست، امتیازها و درخشندگیهای وی انکارناپذیر است؛ از آنهاست:

- 1 - شجاعت علمی و روحی و قالب‌شکنی غزالی بر کسی پوشیده نیست. این حقیقت، هم در زندگی علمی و فرهنگی او و هم در آثار مکتوبش به خوبی نمایان است.
- 2 - نظام‌وارگی فکری و ساختار واحد بخشیدن به اجزای پراکنده معرفتی، یکی دیگر از امتیازهای وی به شمار می‌رود. بهترین آینه این نظام‌وارگی کتاب دائرة المعارف گونه احیاء العلوم اوست.
- 3 - افزون بر این، نظریه‌پردازی و ژرف‌نگریهای وی - به ویژه در قلمرو مسائل روان‌شناختی و مباحث اخلاقی و تربیتی - بر آشنایان با آثار غزالی پوشیده نیست. چنانچه شیوه تحقیق و روش علمی متقن وی، در تاریخ اندیشه اسلامی پایدار می‌ماند، بی‌شک شاهد اندیشه‌های ناب‌تری در این قلمرو بودیم.
- 4 - شور دینی و تعهد اخلاقی و جمع میان پایبندی به متون دینی و شوریدگی عرفانی، از دیگر ویژگیهای این شخصیت گرانقدر است. البته بی‌مهری وی به فلسفه را در تهافت الفلاسفه نمی‌توان فراموش کرد، اما خردورزیها و نکته‌پردازیهایی فیلسوفانه وی و نیز تأثر او را از اندیشه فیلسوفان یونانی و اسلامی در حکمت نظری و عملی نمی‌توان نادیده گرفت.
- 5 - از همه آنچه بدان اشارت رفت، بر می‌آید که غزالی در «نظام بخشی جدید» به مباحث اخلاقی و «تقریب میان اخلاق و عرفان» و به «کارگرفتن روشهای تحقیق ناب»، از جمله «تحلیل روانی و درون‌نگری»، و «موشکافیهای روان‌شناختی» و «برون رفتن از چنبره فکر یونانی و اعتماد بر نصوص دینی» میراثی گرانبها از خود به یادگار گذارده است، و تا اندازه‌ای کاستی نظریه‌پردازی در حکمت عملی، در تاریخ اندیشه اسلامی را جبران کرده است.

فرصت را مغتنم شمرده، چند نکته را در باب این دفتر یادآوری می‌کنیم:

یکم: برخلاف اجزای دیگر این مجموعه، که در هر جلد آن آراء جمعی از متفکران را به تصویر کشیده‌ایم، در این دفتر تنها به تبیین آراء غزالی پرداخته‌ایم و این تفصیل و بسط نبوده است مگر به لحاظ عظمت شخصیت و تعدد آثار او. در آغاز مصمم بودیم ترتیب تاریخی را استثنائاً کنار نهیم و آراء فیض کاشانی را هم که ناظر به دیدگاههای غزالی است، در این جلد بیاوریم، اما حجم تحقیق حاضر، ما را از این عزم منصرف کرد. دوم: مباحث این جلد، در مقایسه با مجلدات دیگر، در عین مشابهت، مغایرتهایی دارد که به برخی از آنها

اشارت می‌شود:

1 - مباحث این بخش، از توصیف صرف، به تحلیل و تطبیق گرایش یافته است و در موارد فراوان، اندیشه‌های غزالی با آراء برخی از متفکران شرق و غرب مقایسه گردیده و گاه به تحلیل و داوری نیز پرداخته شده است.

2 - نثر این دفتر نیز با جلد‌های دیگر اندکی تمایز دارد، و از ظاهری فاخرتر بهره‌مند است.

3 - در ترتیب و توالی مباحث، گرچه مانند دیگر مجلدات از روش سیر از کلی به جزئی بهره‌برده‌ایم و از مبانی عام به مسائل خاص و به عبارتی از محورهای هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی به اندیشه‌های تربیتی رسیده‌ایم، با این حال در تبویب مطالب تفاوت‌هایی را مشاهده خواهید کرد؛ این امر ناشی از گستردگی و تنوع و غنای مباحث اخلاقی و تربیتی غزالی از یک‌سو؛ و بردباری و کوشش مؤلف محترم از سوی دیگر بوده است.

4 - در باب آراء غزالی مقاله‌ها و کتابهای فراوانی، به ویژه در میان عرب‌زبانان، به نگارش درآمده است. از جمله هنرهای این دفتر مآخذشناسی جامع و نگاه همه‌جانبه به تحقیقها و نگارشهای صورت گرفته در این ساحت است؛ چنانکه در مواردی نیز مطالبی از آن منابع نقد و بررسی شده است.

در پایان، حضرت حق را سپاس می‌گوییم و از مؤلف گرانقدر و همه کسانی که در تحقق و اجرای این طرح ما را یاری رسانده‌اند صمیمانه قدردانی می‌کنیم و امیدواریم ارباب فکر و نظر و فرهیختگان حوزه و دانشگاه از نقد و نظر، و عرضه رهنمودهای خویش درباره این اثر دریغ نورزند، باشد که به فضل الهی بر تکمیل و ترفیع این مجموعه توفیق یابیم.

گروه علوم تربیتی

گر تقویت کنی ز ملک بگذرد بشر

ور تربیت کنی به ثریا رسد ثری

سعدی

دیباچه

ضرورت تحقیق

غزالی از شخصیت‌های برجسته تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام است و چنانکه در فصل اول این نوشتار اشاره شده است، برخی از بزرگان شیعه به او عنایت ویژه داشته‌اند، اهل سنت که جای خود دارند.

اهمیت و برجستگی غزالی، در نوپردازی علمی و اخلاقی و نفی فرهنگ فلسفی حاکم بر عصر خود و افتادن در پوستین فقیهان و باطنیان و صوفیان و واعظان و حاکمان و ... خلاصه نمی‌شود؛ بلکه تا آنجا که به

این رساله مربوط است، وی از مربیان بزرگ و تربیت‌پژوهان بنام جهان اسلام است که اندیشه‌های تربیتی او قرن‌ها بر فرهنگ تربیتی جهان اسلام حاکم بوده است و مربیان بزرگی در روشها و نگارشهای تربیتی خود - خواسته یا ناخواسته - از آثار و افکار او الهام گرفته‌اند.

با این حال، نه چهره غزالی تربیت‌پژوه و مربی، برای ایرانیان شناخته شده است، و نه به دیگر چهره‌های او چنانکه باید پرداخته‌ایم. بی‌اغراق بگویم غزالی چونان بسیاری از دیگر مردان تاریخ این مرز و بوم، مظلوم کم‌عنایتی ما به تاریخ و فرهنگ اسلام بطور عام، و تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام بطور خاص است. غزالی کسی است که سزانیست در زندگی و افکار او ریزنکاویم و از او نگوییم و ننویسیم و بگذریم، اما تا کنون در اندیشه‌های او ریزکاوای نکرده‌ایم و از او نگفته‌ایم و ننوشته‌ایم و گذشته‌ایم!

باری، تاکنون جای گزارشی تحقیقی از نگرشهای تربیتی غزالی در میان تربیت‌نگاشتهای ما خالی بوده است؛ حال آنکه مطالعه در تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام و نیز آشنایی با افکار و آثار مربیان بزرگ مسلمان، از ضروریات زمان و جزوی از واحدهای درسی دانشگاهی است؛ لذا به درخواست پژوهشکده حوزه و دانشگاه این تحقیق رقم خورد تا از رهگذر آن، بر این ساحت ناشناخته شخصیت غزالی، روزنی گشوده شود تا شاید چراغی باشد فرا راه کسانی که در این وادی آهنگ گامی دارند.

پیشینه تحقیق

در زبان فارسی به شخصیت تربیتی غزالی - مانند بسیاری دیگر از مربیان بزرگ مسلمان - پرداخته نشده است و جز اشاراتی پراکنده در پاره‌ای از تاریخهای فرهنگ و یکی دو زندگی‌نامه و چند پایان‌نامه درسی و برخی مقالات کوتاه و غیر مستوفی و کتابی غیرمستقل، چیزی دیگر درباره این جنبه از شخصیت غزالی در دست نیست.

در این زمینه، عربها پیشتر و بیشتر از ما رفته‌اند و تا آنجا که نگارنده می‌داند دست‌کم شانزده عنوان کتاب مستقل درباره دیدگاههای تربیتی غزالی نگاشته‌اند که عبارتند از:

- الآداب التعاملية في فكر الامام الغزالي (احمد خواجه، بيروت، 1986/1406).
- ابوحامد الغزالي نموذجاً للتربية في الفكر الصوفي (عبدالمعطي الكيلاني، 1991).
- بحث في المذهب التربوي عند الغزالي (فتحية حسن سليمان، چاپ دوم، قاهره، 1354).
- التربية الاسلامية عند الامام الغزالي (ايوب دخل الله، بيروت، 1996/1417).
- التربية عند الامام الغزالي (عدنان عبدالقادر درويش، 1997).
- التوجيه الاسلامي للنشء في فلسفة الغزالي (عارف مفضی برجس، بيروت، 1981/1401).
- خصائص التربية الاسلامية عند الامام الغزالي (احمد عرفات القاضي، قاهره، 1416).
- العلاقة بين العلم و التعلم عند الغزالي (سيدعباس ملا، مکه مكرمه، 1407).
- الغزالي المعلم المربي (ابراهيم القطان، قاهره، 1962/1362).
- الغزالي و وصاياه التربوية (علي الجابري، بصره، 1979).
- الفكر التربوي عند الامام الغزالي (عبدالامير شمس‌الدين، بيروت، 1985).

الفکر التربوی عند الغزالی كما يبدو من رسالته: ايها الولد (عبدالغنی عبود، قاهره، 1982).
 المعرفة عند الغزالی، النظرية التربوية التعليمية (حسن بزون، بيروت، 1977).
 ملامح الفلسفة التربوية التعليمية عند الغزالی (عبدالله تروال، رباط).
 المنهج التربوی فی فکر ابی حامد الغزالی (احمد غنوم، 1992).
 نظرية التربية الخلقية عند الامام الغزالی (عبدالحفيظ احمدعلاوی البريزات، عمان، 1984).

در این میان، کتاب خانم دکتر فتحیه حسن سلیمان از محققان مصری، کهن‌ترین تحقیق است و از زمان انتشار آن بیش از 60 سال می‌گذرد.

گذشته از آنچه آوردیم، دهها مقاله و پایان‌نامه دانشگاهی و فصلهای پرشماری از نگارشهای تربیتی عرب به شرح بینشهای تربیتی غزالی اختصاص یافته است که جای یاد آنها نیست.

روش تحقیق

در این گزارش گزینشی - بجز فصل اول - در دیگر فصلها کوشیده‌ام گذشته از گزارش، با توصیف و تحلیل و ترکیب، و گاه نقد و تطبیق، گوشه‌هایی از نظام و فلسفه تربیتی مورد نظر غزالی را بیابم و بازگویم. در عرضه مطالب، بهتر آن دیدم که نکته‌های تربیتی مستقیم و غیرمستقیم پراکنده در آثار پرشمار غزالی را در قالب طرحی منسجم و سازوار با متون تربیتی روز تحریر کنم تا مطالعه آن آسانتر افتد. در ضمن تا آنجا که بضاعت مزجات اجازه داده است، از مقایسه آراء تربیتی غزالی با دیدگاههای تربیتی دیگر مربیان - مسلمان یا غیر مسلمان - کوتاهی نکرده‌ام و نیز در حد توان، تلاش کرده‌ام ریشه افکار تربیتی غزالی را در کتاب و سنت و تربیت‌نگاشتهای پیش از وی پیدا کنم و نشان دهم.

همچنین از نقد آراء دیگران درباره نگرشهای تربیتی غزالی چشم‌نپوشیده‌ام اما، از نقد اندیشه‌های تربیتی غزالی بجز دو - سه مورد گذشته‌ام چه، این کار خود فرصتی دیگر و تحقیقی مجزا می‌خواهد؛ و معتقدم که بسنده کردن به اشاراتی پراکنده در این باره، چه بسا که به وهن شخصیت علمی - تربیتی غزالی بینجامد.

منابع تحقیق

نگارنده، اکثر بل همه آنچه را در فارسی درباره غزالی نگاشته‌اند و او بدانها دست یافته مطالعه کرده است تا از آنچه دیگران درباره غزالی گفته‌اند آگاه باشد. از آثار عربی هم منابع بسیاری را دیده و خوانده است. از این گذشته برای فهم و تفهیم و مقایسه و تحلیل بهتر مطالب به متون و آثار تربیتی فراوانی مراجعه کرده که گاه در پی‌نوشتها از آنها یاد کرده است.

اما اصل و اساس کار او، آثار خود غزالی بوده است؛ چنانکه بجز کتابهای فقهی غزالی، هر یک از دیگر آثار او را که توانسته به دست آورد، از آغاز تا پایان مطالعه کرده است تا مبدا نکته‌ای تربیتی از وی در گوشه‌ای از کتابی نادیده بماند.

همچنین به لحاظ اهمیت تأکید بر آثار خود غزالی در این پژوهش، و برای نشان دادن اصالت بوحامدی آنچه از او بازگفته است و نیز برای در امان ماندن از اتهام تحمیل افکار و عقاید دیگران بر غزالی، بارها و بارها

به آثار او استناد جسته و ارجاع داده، و در سراسر کتاب کوشیده است محور راستین کارش گفتار غزالی باشد. گفتنی است که با آنکه بنای کار نگارنده بر استفاده مستقیم از آثار، و دوری از استناد به منابع واسطه (دست دوم) بوده، گاه ناگزیر وادار شده است به این دست منابع رو کند اما، در این گونه موارد هم حتما و در حدامکان به اصل منبع رجوع و مطلب را در منبع مادر رؤیت کرده است، مگر چند مورد که نتوانست اصل منبع را بیابد، مانند «رسائل» جاحظ.

حاصل تحقیق

فصلهای نه گانه این کتاب، بازتاب تلاش و تحقیقی است مجدانه که به شرح زیر نگارش یافته است: در فصل اول سخن بر سر زندگی و آثار غزالی است و بی نقد و تحلیل و به اختصار برگزار شده است. فصل دوم پرداختی است از پاره‌ای از مبانی فلسفی اندیشه تربیتی غزالی و در آن از رویکرد غزالی به هستی و خدا و جهان و انسان به تفصیل سخن رفته است. مفهوم و تعریف تربیت در فصل سوم واکاوی شده است و از این رهگذر به تعریف تربیت از نگاه شماری از مریبان بزرگ اشاره شده و در پایان، تربیت از نگاه غزالی تعریف و تحلیل شده است. فصل چهارم درباره امکان و حد تربیت است و در آن، این دو موضوع از زبان غزالی بازگفته شده و سرشت انسان و علت چندگانگی مردم در تربیت‌پذیری، از نگاه وی و آشکافته شده است. ضرورت تربیت و فلسفه آن در فصل پنجم آمده است. در این فصل برای شرح ضرورت و اهمیت تربیت، به دوازده نکته برگرفته از آثار او اشاره شده است و برای بازشکافت فلسفه تربیت از نگاه غزالی یادآوری شده که در نظام تربیتی او فلسفه تربیت از فلسفه آفرینش جدا نیست. در فصل ششم اصول تعلیم و تربیت مطرح شده است و در شرح آن پس از اشاره‌ای به معانی لغوی و اصطلاحی اصل، برخی از ویژگیهای اصول تربیتی یاد شده و به منابع کشف اصول تربیتی و برخی از اصول تربیتی شناخته شده پرداخته شده است؛ آنگاه از میان اصول تربیتی‌ای که نگارنده در آثار غزالی شناسایی کرده، ده اصل بشرح آمده است. عوامل تربیتی، بحث فصل هفتم است و در آن از نقش وراثت در تربیت گفته شده و به تأثیر محیط در تربیت اشاره شده است و عوامل محیطی گوناگون بشرح آمده و هر یک از این مقولات از زبان غزالی بررسی شده است. موضوع فصل هشتم، هدفهای تربیتی است و در آن ضمن بیان مفهوم و ماهیت هدف، به برخی از ویژگیهای هدف تربیتی و منابع و مصادر هدفهای تربیتی اشاره شده و به پاره‌ای از هدفهای تربیتی در مکتبهای گوناگون تربیتی پرداخته شده است. سپس هدفهای غایی و میانی و جزوی از نگاه غزالی مطرح و هدفهای هفتگانه‌ای از دید او بشرح کاویده شده است. فصل نهم این اثر درباره روشهای تربیتی از منظر غزالی است. نگارنده در این فصل ابتدا به فرق میان روش با شیوه و فن، و نیز تعریف هر یک پرداخته است و از رابطه روشها با دیگر عناصر نظام تربیتی گفته است، آنگاه با اشاره‌ای به روش شناسایی و دسته‌بندی روشهای تربیتی در آثار غزالی، پنج روش از روشهای آمده در آثار او را به تفصیل و آشکافته است.

در فرجام کار، کتابنامه‌ای از شماری از منابع و مراجع این پژوهش سامان داده شده و کتاب با تنظیم چند نمایه به انجام رسیده است تا شاید خواننده را به کار آید و بهره‌گیری از این مختصر آسانتر شود و دعای خیری به بار آید.

نگارنده با اذغان و اعتراف به کم و کاست ره یافته در این اثر، یادآور می‌شود که از آغاز کار کوشیده‌است بحثی عرضه شود که هم بدیع باشد و هم مفید (اگر جمع دوضد نباشد!) اکنون امیدوار است آنچه در آن بدیع است، مفید و آنچه در آن مفید است، بدیع باشد؛ و اهل نظر این سخنان را بمثابه عذر تقصیر او بپذیرند و با یادآوری کاستیها و نابایستیهای احتمالی این پژوهش، در بهبود آن و تعالی این قلم سهیم شوند!

در پایان بر خود فرض می‌دانم از جناب حجت الاسلام آقای دکتر احمد احمدی (ریاست محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت))، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم چه، ایشان از آغاز تا پایان این مسوده را دلسوزانه و به دقت مطالعه و با پیشنهادهای ارزنده خود، نگارنده را مرهون لطف خویش نمودند. همچنین از جناب حجت الاسلام آقای علیرضا اعرافی (ریاست محترم پژوهشکده حوزه و دانشگاه) که با مساعدت و بردباری فراوان زمینه لازم را برای به فرجام رسیدن این پژوهش فراهم کردند، بسیار سپاسگزارم. «ولله الحمد و الحمد لله علی ما هدانا»

حوزه علمیه قم

1380/9/25 برابر با عید سعید فطر 1422

بهروز رفیعی